

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزی بانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزی بانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می توانید در عزیزی بانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین های اتومات صرافی ما بهره مند شوید.



عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه



www.azizibank.af

1515

یادداشت روز

جنگ؛ میراث پس از پیروزی

فردا، سه شنبه، سالروز خارج شدن کامل سربازان جمهوری فدراتیف روسیه از کشور است. بیست و هشت سال پیش از امروز در ۲۶ دلو سال ۱۳۶۷ و در اوج ناتوانی جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری دکتر نجیب الله، آخرین سربازان اتحاد جماهیر شوروی از آمو گذشتند تا به جنگی نقطه‌ی پایان بگذارند که هزاران سرباز روسی را بلعیده بود. بیست و هشت سال پس از آن روز، برخلاف انتظاری که در اوایل خروج سربازان روسی و پس از آن، سقوط حکومت دکتر نجیب می‌رفت، افغانستان کماکان میدان نبردهای بی‌امان و مرگ‌های بی‌پایانی بوده است. پرسش اصلی قاعدتا همان چیزی است که به اشکال ناقص تری در همان سال‌ها نیز مطرح بود: راهی برای پایان نبردها وجود دارد؟ در این مورد باید به چند نکته توجه کرد؛ چه این که هر سال با عبور از ۲۶ دلو، در این سال‌ها متوجه شده‌ایم که افق صلح و ثبات مستقر و دایمی ناپیداست.

اول؛ تأمل در واقعیت تهاجم نظامی شوروی که در آن زمان یکی از قطب‌های نیرومند جهان و تصمیم‌گیرنده‌ی اصلی کشورهای سوسیالیستی بود، در بافتار جنگ سرد، دست‌کم این حسن را دارد که روایت روشن‌تری از جنگی که مسبب نبردهای بی‌پایان دیگر و ورود تروریسم به افغانستان بود، داشته باشیم. اخیراً چه در گفت‌وگوهایی که مقامات سیاسی روسی کرده‌اند، و چه در مقالات متأخری که در این باب نوشته شده، این مسأله به اندازه‌ی کافی باز شده است که تصمیم تهاجم نظامی به افغانستان، مبتنی بر واقعیت‌های موجود رقابت جنگ سرد،...

ادامه در صفحه ۲



کمیسیون مستقل حقوق بشر بر عملکرد پولیس نظارت می‌کند

صفحه ۲

چرا شرایط برای زنان افغان بهتر نمی‌شود؟



صفحه ۵

وزارت امور زنان افغانستان اعلام کرده است که حضور زنان در ادارات دولتی کاهش یافته است. سپوژمی وردک معین این وزارت در یک کنفرانس خبری در کابل گفته است که بررسی این وزارت نشان می‌دهد که حضور زنان در ادارات...

ناتو و بررسی ادعای کشته شدن ۲۲ غیر نظامی افغان در نتیجه حملات هوایی امریکا



صفحه ۴

کابل، افغانستان - مقام‌های ارتش روز شنبه گفتند ماموریت ناتو در افغانستان تحقیقات ابتدایی در مورد ادعاهای کشته شدن بیش از ۲۰ غیر نظامی در نتیجه حملات هوایی اخیر امریکایی‌ها در ولایت...

با افغان بیسیم میلیونر شوید!

1 جایزه بزرگ

1,000,000

افغانی

با مصرف نمودن 60 افغانی و یا بیشتر از آن در هر هفته چانس برنده شدن را بدست آورید!

با مصرف نمودن کریدت بیشتر، چانس برنده شدن شما بیشتر میگردد! برنده گان جوایز فقط از طریق شماره 152 مطلع خواهند شد و افغان بیسیم هیچ وقت در بدل جایزه تقاضای پول و یا کریدت نمی‌کند.



راجستر سیمکارت حتمی است. مشتریانی این جوایز را بدست آورده می‌توانند که سیمکارت به اسم خودشان ثبت باشد.

این پیشکش الی 10 فور 1396 ادامه دارد.



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan



www.afghan-wireless.com



هراس روسیه از برهم خوردن نظم بین‌المللی مبتنی بر رقابت دو بلوک شرق و غرب و حفظ یک نظام سوسیالیستی وابسته به روسیه در برابر فشارها و تهدیدهای رقبا محلی و بین‌المللی آن، بوده است. خلاصه این‌که سیاست تهاجمی برژنف و نتیجتاً هراسی که شوروی در از دست رفتن گستره‌ی اقتدارش داشت، چه در منطقه و افغانستان و تنش‌های داخلی سران خلق و پرچم در کسب اقتدار سیاسی-نظامی، سبب شد که یگان‌های نظامی روسیه به افغانستان فرستاده شوند.

دوم؛ وضعیت پس از خروج سربازان شوروی و به‌دنبال آن سقوط حکومت دکتور نجیب و تسلط نیروهای مجاهدین بر کشور نیز تا آن‌جا که مقدور بوده، ناروشن مانده است. در فردای پیروزی مجاهدین، اگر معیار داوری ما وضعیت اقتصادی، ثبات سیاسی و اجتماعی و پایان ناامنی باشد، هیچ چیزی تغییر نکرد. رقابت بین گروه‌های نظامی که سال‌ها در دو خط موازی شکست روس‌ها و رسیدن به قدرت جنگیده بودند، آتش جنگ داخلی را شعله‌ور کرد. نتیجه‌ی این دو جنگ، کشته شدن بیش از یک میلیون نفر مبتنی بر آمار رسمی، معلولیت یک میلیون شهروند دیگر و مهاجرت‌های دسته‌جمعی و آواره‌شدن نزدیک به ده میلیون انسان و فروپاشی تمامی زیربنایهای اقتصادی و سیاسی بود. در هرج‌ومرج تمام‌عیاری که بر کشور حاکم شد و در غیبت یک ثبات سیاسی مرکزی نیرومند، اقتدار اصلی در دست ملیشه‌های نظامی‌بی‌افتاد که هرکدام نقاط خاصی را تحت سلطه‌ی خود داشتند.

روسیه نگران شکل گرفتن یک دولت تندرو اسلامی در کنار ایران و پاکستان بود و پاکستان در جو ملت‌پس آن زمان، این فرصت را یافت که طالبان را برای برپاکردن امارت‌شان یاری رساند. ظهور طالبان نقطه‌ی اوج این بحران شد. به گونه‌ی که بسیاری از تروریست‌ها، از آن‌جمله القاعده، لانه‌های امن و حوزه‌ی نفوذشان را در کشور ساخته و گسترش دادند. در نتیجه افغانستان که در طی یک‌ونیم‌دهه عروج و زوال دولت ترقی‌خواه کمونیستی و نظام بی‌ثبات و متشتت مجاهدین را تجربه کرده بود، به دست گروه بنیادگرایی بیفتد که با هر چیزی غیر از قواعد سخت و سفت سنتی-ایدیولوژیک‌شان سر دشمنی داشتند. اولین موشکی که از آب‌های هند بر فراز مهمان‌خانه‌ی ملاعمر در قندهار شلیک شد، صفحه‌ی دیگری از کشمکش‌ها را ورق زد.

سوم؛ اکنون دولتی که پایه‌های آن در «بن» ریخته شد نیز دچار ضعف‌ها و کاستی‌هایی است که بی‌شباهت به گذشته نیست. گرچه اکنون مسایل بسیاری تغییر کرده‌اند، جامعه‌ی مدنی به‌وجود آمده و یک نظم دموکراتیک که مردم حمایت‌شان را با شرکت در سه انتخابات ریاست‌جمهوری و دو انتخابات پارلمانی از آن ابراز داشته‌اند. میلیون‌ها نفر به مکتب و دانشگاه رفته و حکومت نیز در یک‌ونیم‌دهه در سایه‌ی حمایت کم‌نظیر جهانی توانسته است که طالبان را به حاشیه براند، اما همچنان ناراضیاتی اجتماعی، تنش‌های سیاسی و حکومت‌داری ضعیف و نهادهای امنیتی آلوده به فساد یا دست‌کم ناهماهنگ، به‌طرز چشمگیری چشم‌انداز ثبات در آینده را تیره می‌سازد.

از جهتی دیگر، تنش‌های منطقه‌ی کماکان پابرجاست. هند و پاکستان در عمل بر سر افغانستان درگیر اند، امریکا و متحدانش باید تضامین دشواری برای حفظ موجود یا از دست دادن بگیرند و چین و ایران، برخلاف سی سال پیش به روسیه نزدیک‌تر اند.

یادآوری خروج قشون سرخ از افغانستان باید این حسن را داشته باشد که به‌صورت جدی‌تر به مسأله‌ی ثبات در کشور اندیشیده شود. آن حادثه اگر از جهتی به‌منابه‌ی یک پیروزی تلقی می‌شود، از طرفی دیگر عواقب هولناکی داشت که تجربه‌ی مؤثری را برای گسترش ثبات و حاکمیت ملی به‌دنبال داشت. به همان اهمیتی که خوانش واقع‌بینانه از چهار دهه‌ی گذشته ما را به فهم بهتر آن کمک می‌کند، نگاه واقع‌گرایانه به وضعیت کنونی می‌تواند در رسیدن به ثبات یاری رساند. خطاست اگر با نگاه آرمانی در پی تحقق ثبات کامل و حل تنش‌های مرزی باشیم و امیدوار به شکل گرفتن وضعیتی که بتواند ثبات مسلم را به همراه داشته باشد. پیش از هر چیزی کشور نیازمند یک تغییر جدی است، تغییری که بتواند منجر به شکل گرفتن یک ثبات نسبی و پخش قدرت در لایه‌های متنازع یا متفاوت جامعه شود.

کمیسیون مستقل حقوق بشر بر عملکرد پولیس نظارت می‌کند

اطلاعات روز: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان کنفرانس ملی «حقوق بشر و پولیس» را برگزار کرد.

این کنفرانس براساس تفاهم‌نامه‌ی در راستای اعمال نظارت و گزارش‌دهی از عملکردهای نیروهای امنیتی و تخطی‌های قانونی و حقوق بشری آنان برگزار شد.

در این کنفرانس ۱۲۰ تن از فرماندان‌های امنیتی ولسوالی‌ها اشتراک کردند تا در رابطه به مسئولیت‌های پولیس برای تأمین قانون و حقوق بشر، آموزش ببینند.

این کنفرانس براساس تفاهم‌نامه‌ی کمیسیون مستقل حقوق بشر با نهادهای امنیتی تحت نام «آمودزمن» برگزار شد که هدف آن گزارش‌دهی از رفتارها و عملکردهای خلاف قانون و تخطی‌های حقوق بشری نیروهای امنیتی کشور است.

سیما سمر رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان روز یکشنبه ۲۴ دلو ۱۳۹۵ در این کنفرانس گفت که این بخش رفتار تمامی منسوبان نهادهای امنیتی را نظارت می‌کند. خانم سمر تأکید کرد که حکومت‌داری زمانی در افغانستان موفق می‌شود که رفتار پولیس قانونمند باشد: «در صورتی‌که پولیس موفق باشد، مردم از ما دوری نمی‌کنند و به هیچ‌صورت دشمن نمی‌تواند همکاری مردم را به‌دست آورد. به همین دلیل ما تأکید می‌کنیم که پولیس باید مسلکی شود و وظایف خود را براساس قوانین و ارزش‌های حقوق بشر انجام دهد.»

رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بر استخدام زنان بیشتر در صفوف پولیس تأکید کرد. در حالی‌که جامعه‌ی جهانی همواره بر افزایش حضور زنان در صفوف نیروهای امنیتی تأکید کرده اما هنوز شمار زنان در این نهادها کم‌رنگ است.

رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان افزود رفتار پولیس با زنان مورد نظارت قرار می‌گیرد و در صورتی که تخطی‌هایی وجود داشته باشد، کمیسیون آن را بررسی کرده و به رهبری نهادهای امنیتی گزارش می‌دهد تا

اصلاحات در این زمینه به‌وجود آید. رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان علاوه کرد که رفتار پولیس با کودکان و افراد دارای معلولیت باید انسانی و محترمانه باشد؛ زیرا هر نوع رفتار تحقیرآمیز پولیس با زنان، کودکان و اشخاص دارای معلولیت، خلاف قانون و ارزش‌های حقوق بشری است.

سیما سمر در این کنفرانس از تمام منسوبان پولیس خواست تا به هیچ بهانه‌ی زمینه‌فساد را فراهم نکنند و «مقدس بودن» پولیس را زیر سوال نبرند: «تلاش ما این است که نیروهای امنیتی ما معاش خوشر داشته باشند تا مجبور نشوند که از وسایط و سایر افراد جامعه رشوه بگیرند.»

فرید حمیدی دادستان کل کشور در این کنفرانس گفت که به هیچ بهانه‌ی اجازتی شکنجه به نهادهای دولتی داده نمی‌شود: «من به نمایندگی از اداره‌ی لوی‌سارنوالی این وعده را می‌دهم که ما در برابر شکنجه حساس هستیم. هرکسی که مسئول شکنجه شناخته شود، براساس قانون با آن‌ها برخورد جدی و قانونی صورت می‌گیرد.»

خانم سمر گفت با آن‌که در حال حاضر گزارشی در رابطه به حضور کودکان در صفوف نیروهای امنیتی وجود ندارد، اما به هیچ‌وجه نباید به بهانه‌های مختلف از کودکان توسط نیروهای امنیتی استفاده شوند. خانم سمر با اشاره به گزارش‌هایی در رابطه به بچه‌بازی در صفوف نیروهای امنیتی گفت: «واقعاً برای افغانستان ننگین است که نیویورک تایمز و واشنگتن پست از بچه‌بازی در بین نیروهای امنیتی می‌نویسند. به این معنا نیست که شما (فرماندان‌های امنیه) این عمل را انجام ندهید، امیدوارم که شما مانع بچه‌بازی دیگران شوید. این یک عمل خلاف کرامت انسانی آدم‌ها است.»

تاج محمد جاهد وزیر داخله‌ی افغانستان با استقبال از برگزاری این کنفرانس تعهد کرد که برای رفتار قانونی پولیس تلاش خواهد کرد. او گفت با وجودی که خلائهایی در صفوف پولیس وجود دارد اما گذشت هر روز این نیروها مسلکی‌تر عمل می‌کنند.

نیروهای امنیتی در بدخشان ۱۰ عضو گروه طالبان را کشتند

۱۴ تن دیگر در این عملیات زخمی شده که زخم شماری از آن‌ها شدید عنوان شده است. اعلامیه‌ی دفتر مطبوعاتی ولایت بدخشان می‌افزاید که از نیروهای امنیتی کشور، یک نفر کشته و دو تن دیگر به‌صورت سطحی زخمی شده‌اند.

طالبان تا کنون واکنشی به این خبر نشان نداده‌اند.

شماری از مناطق ولایت بدخشان، از چند سال بدین سو به‌دلیل نفوذ گروه طالبان، گرفتار ناامنی هستند. استخراج و قاچاق منابع معدنی در این ولایت و حضور چشم‌گیر افرادی که در مدارس دینی پاکستان آموزش دیده‌اند، از دلایل ناامنی در این ولایت محسوب می‌شود.

نشست سه‌جانبه‌ی اسلام آباد برای تمدید اقامت مهاجرین

اطلاعات روز: قرار است نشست سه‌جانبه میان افغانستان، پاکستان و کمشنری عالی ملل متحد برای پناهندگان در مورد وضعیت مهاجرین افغان، در اسلام‌آباد برگزار شود.

وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان گفته است که احتمال دارد در سال ۲۰۱۷ میلادی نیز بیش از یک میلیون افغان از پاکستان و ایران، به کشورشان بازگردند. به نقل از صدای امریکا، مهاجرین افغان در پاکستان و ایران همواره از برخورد نامناسب دولت‌های این کشورها شکایت می‌کنند.

بربنیاد گزارش‌ها در زمان تیره‌گی روابط میان افغانستان و پاکستان، بالای مهاجرین افغان در آن کشور، بیشتر از هر وقت دیگر فشار آورده می‌شود.

صدای امریکا در گزارش‌اش می‌افزاید که اکنون دولت افغانستان مصمم است که به‌زودی نشست سه‌جانبه میان افغانستان،

اوتو فیستر با قرار داد یک‌ساله،

سر مربی تیم ملی فوتبال افغانستان شد

اطلاعات روز: اوتو فیستر آلمانی با قرارداد یک‌ساله، رسماً هدایت تیم ملی فوتبال افغانستان را بر عهده گرفت.

آقای فیستر که تجربه‌ی زیادی در عرصه‌ی مربی‌گری تیم‌های ملی دارد، صبح روز یکشنبه ۲۴ دلو و در جریان یک نشست خبری در فدراسیون فوتبال کشور جانشین پیتر شگرت، مربی قبلی تیم ملی شد.

فدراسیون فوتبال کشور، آقای فیستر را به‌دلیل تجربه‌ی زیاد در عرصه‌ی مربی‌گری و به هدف بهبود اوضاع تیم ملی کشور، جانشین آقای شگرت کرده است. مربی تازه‌استخدام‌شده، حدود پنجاه سال سابقه‌ی مربی‌گری در رده‌های ملی و باشگاهی دارد. فدراسیون فوتبال کشور، هدف از استخدام این مربی ۷۹ ساله را تجربه‌ی زیاد وی در عرصه‌ی مربی‌گری تیم‌های ملی یاد کرده است. او نزدیک به نیم قرن سابقه‌ی مربی‌گری در رده‌های ملی و باشگاهی دارد.

او در قاره‌ی آفریقا در تیم‌های ملی کامرون، رواندا، بورکینافاسو، سنگال، ساحل عاج، جمهوری دموکراتیک کنگو، توگو، ترینیداد و توباگو و غنا مربی‌گری کرده است.

او همچنین در رده باشگاهی نیز با تیم‌های باشگاهی تونس، مصر، سودان، الجزایر و لبنان به مربی‌گری پرداخته است و افتخاراتی نیز کسب کرده است.

اوتو فیستر سومین سرمربی خارجی تیم ملی فوتبال کشور است که طی دو سال اخیر این مسئولیت را به عهده می‌گیرد.

فدراسیون فوتبال کشور همچنان در نشست خبری دیروزش، انوش دستگیر بازیکن سابق تیم ملی فوتبال کشور که دارای مدرک مربیگری درجه B از یوفا است را به‌عنوان دستیار فیستر و کمک مربی تیم ملی فوتبال افغانستان انتخاب کرده است.

منصور فقیریار، دروازه‌بان سابق تیم ملی که به‌دلیل مصدومیت از فوتبال خداحافظی کرده بود به‌عنوان مربی دروازه‌بان‌های تیم ملی معرفی شد.

نخستین دیدار تیم ملی در مرحله‌ی مقدماتی جام ملت‌های آسیا مقابل ویتنام، در شهر دوشنبه تاجیکستان و به تاریخ ۸ حمل سال ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد.

هزاران نفر در اعتراض به اخراج

پناهجویان از آلمان اعتراض کردند

اطلاعات روز: هزاران تن به روز شنبه (۲۳ دلو) در واکنش به اخراج پناهجویانی افغان از آلمان که درخواست پناهنده‌گی‌شان رد شده است به راهپیمایی پرداختند. معترضان در چندین شهر آلمان از مقام‌های این کشور خواستند تا اخراج پناهجویان را توقف دهند و افغانستان را یک کشور ناامن عنوان کردند.

به نقل از طلوع نیوز، پولیس آلمان می‌گوید که نزدیک به ۲ هزار تظاهرکننده در شهر دوسلدورف و ۱ هزار ۵۰۰ نفر دیگر در شمال شهر هامبورگ به تظاهرات پرداختند. پولیس شمار اعتراض کنندگان را در شهر حدود ۲۰۰ تن گفته است، اما شورای پناهنده‌گان در برلین شمار اعتراض کنندگان را ۲ هزار تن گفته است.

سازمان‌دهنده‌ی تظاهرات در هامبورگ به خبرگزاری بالکان گفت: «کسانی‌که به جبر مجبور به برگشت می‌شوند، نمی‌تواند یک زنده‌گی امن داشته باشند. تحت شرایط موجود زنده‌گی با عزت غیر ممکن است.» این در حالی‌ست که به روز پنج‌شنبه هفته‌ی گذشته آنگلا مرکل، نخست‌وزیر آلمان اعلام کرد حکومت توافق کرده است تا روند اخراج پناهجویانی که درخواست پناهنده‌گی‌شان رد شده است را سرعت بخشد.

شورای پناهنده‌گان گفته است که افغانستان یک کشور ناامن است و گزارش اخیر اداری امور پناهنده‌ی سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که اخیراً وضعیت در این کشور بدتر شده است.

فروپاشی



مترجم: غفار صفا

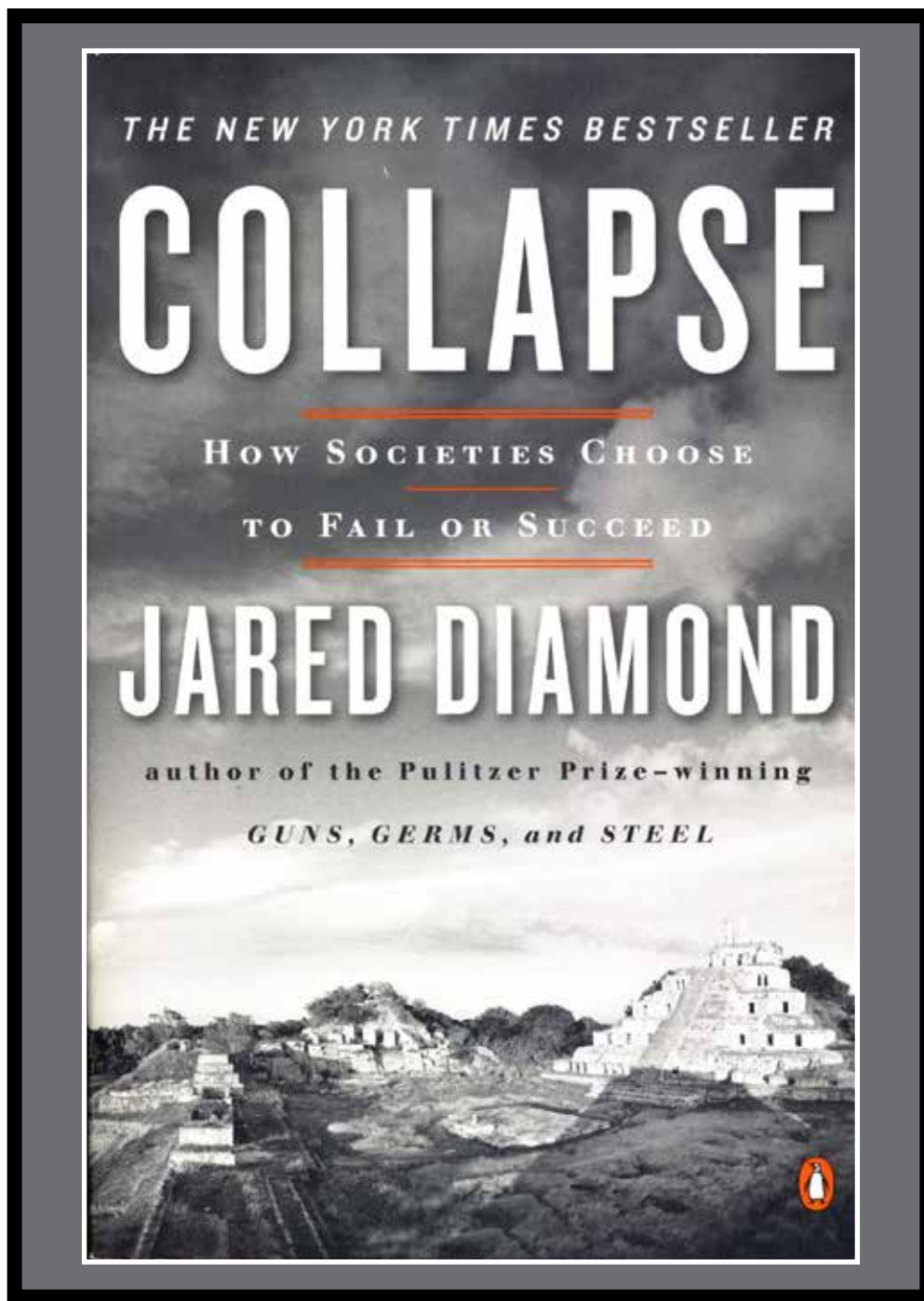
جارد دایموند ■ بخش سوم

یک از سیطره‌های انسانی در سرزمین‌هایی که فاقد انسان بود - چه استرالیا، امریکای شمالی، امریکای جنوبی، مدغاسکر، جزایر مدیترانه، هاوایی و زیلاندا جدید و شماری از جزایر پاسیفیک - انقراض نسل حیوانات بزرگی را که بدون ترس از انسان‌ها تکامل کرده بودند، در پی داشت. هرکس می‌تواند به دلیل شناخته شده (بعدتر در کتاب توضیح داده خواهد شد) در دام بهره‌برداری بیش از حد و بی‌رویه‌ی استفاده از منابع محیط زیستی بیافتد: این که منابع در نگاه نخست پایان‌ناپذیر و فراوان به نظر می‌رسند؛ این که نشانه‌های تخلیه‌ی اولیه‌ی شان به واسطه‌ی نوسانات عادی در ظرفیت منبع، بین سال‌ها و دهه‌ها، پنهان می‌ماند؛ این که مشکل است مردم قبول کنند که در استفاده از یک منبع مشترک از خود خویشتن‌داری نشان بدهند (که به نام تراژدی‌های مشترک یا عام شناخته شده، در فصل‌های آینده به آن پرداخته خواهند شد)؛ این که پیچیدگی‌های ایکوسیستم، اغلباً پیش‌بینی برخی از پیامدهای آشفتگی‌های برساخته‌ی دست انسان را حتی برای متخصص ایکولوژی تقریباً ناممکن می‌سازد. مشکلات محیط زیستی که امروزه کنترل آن دشوار است، یقیناً در گذشته دشوارتر بوده است. به‌ویژه درباره‌ی افراد بی‌سوادی که نمی‌توانستند مطالعات موردی مربوط به فروپاشی اجتماعی را بخوانند، آسیب‌های محیط زیست باعث شده تا به‌جای درک اقدامات غیرعمدی و پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی، آنان را از لحاظ اخلاقی نابینای مقصر، خودخواه آگاه و درخور مجازات بدانیم. از میان جوامعی که فروپاشیده‌اند (مانند مایاها) در زمان خود بیشتر مبتکر، پیشرفته و موفق بوده‌اند، نه احمق و بدوی.

انسان‌های گذشته نه مدیران فاسد و نادانی بودند که سزاوار نابودی و یا خلع‌ید شدن باشند، و نه هم محیط زیست‌شناسان آگاه و چیرفهمی که مشکلات محیط زیست خود را به‌گونه‌ی حل و فصل می‌کردند که ما امروز قادر به حل آن نیستیم. آن‌ها انسان‌هایی بودند مانند ما و با مشکلات گسترده‌ی که ما امروز با آن روبه‌رو هستیم، روبه‌رو بوده‌اند. آن‌ها نیز مانند ما پیوسته بر سر دوراهی پیروزی یا شکست قرار گرفته‌اند. این پیروزی و شکست هم بستگی به موقعیت و شرایطی داشته که در پیش می‌گرفتند. بلی، البته تفاوت‌هایی بین شرایطی که ما با آن روبه‌رو هستیم و شرایطی که مردمان گذشته روبه‌رو بوده‌اند وجود دارد، اما به اندازه‌ی کافی شباهت‌هایی نیز وجود دارد که ما بتوانیم از آن‌ها بیاموزیم.

افزون بر همه، کار نادرست و خطرناکی خواهد بود اگر برای توجیه رفتارهای گویا مناسب مردمان بومی در رابطه به محیط زیست‌شان به فرضیه‌های تاریخی استناد کنیم. در اکثر موارد مؤرخین و باستان‌شناسان بیشترین شواهدی را نشان داده‌اند که این فرضیه (درباره‌ی بهشت - مانند ادعای هواداران محیط زیست) نادرست بوده است. استناد به این فرضیه به‌خاطر توجیه رفتارهای گویا مناسب افراد بومی به این مفهوم نیز است که می‌پذیریم اگر این فرضیه رد شد نسبت به آنان بدرفتاری کنیم. در واقع، مورد مخالفت با بدرفتاری نسبت به آن‌ها متکی بر کدام فرضیه‌ی تاریخی درباره‌ی تجارب محیط زیستی آن‌ها نیست: این امر متکی بر یک اصل اخلاقی است، از جمله اینکه اگر کسانی افراد دیگری را فرمان‌بردار، محروم یا منهدم سازند به‌لحاظ اخلاقی نادرست است.

ادامه دارد...



هوموسپین به نوآوری‌های مدرن، مؤثریت و مهارت شکار در حدود پنجاه‌هزار سال پیش پرداختند، پیوسته یک مشکل پایدار بوده است. آغاز مسکونی شدن قاره‌ی استرالیا در حدود ۴۶۰۰۰ سال پیش، انقراض پی‌درپی و سریع نسل پستانداران گول‌بیکر استرالیایی و سایر حیوانات بزرگ همراه بود. هر

در واقع، هردو گروه افراطی این جدال - نژادپرست‌ها و آن‌هایی که به بهشتی در گذشته باور دارند - در نگاه‌شان نسبت به افراد بومی به‌مثابه‌ی کسانی که اساساً - چه فروتر و چه برتر- از افراد مدرن جهان اول متفاوت‌اند، دچار اشتباه هستند. مدیریت منابع محیط زیستی، از زمانی که انسان

بهشت گمشده تلاش برای درک گذشته ما را به یک جدال و چهار عارضه روبه‌رو کرده است. جدال یا مقاومت در برابر این نظریه که انسان‌های گذشته (برخی از آن‌ها اجداد کسانی‌اند که هم‌اکنون وجود دارند و حرف می‌زنند) کارهایی کردند که خودشان بستر فروپاشی خود را فراهم آوردند. آگاهی ما امروز درباره‌ی محیط زیست به‌مراتب بیشتر از چند دهه قبل است. حتی هشدارها (نشانه‌ها) در اتاق‌های هتل‌ها توجه ما را نسبت به محیط زیست جلب می‌کنند و درخواست روپاک‌های جدید و باز گذاشتن شیرآب، یک نوع حس تخلف اخلاقی به حساب می‌رود.

قابل تعجب نیست که باشندگان بومی هاوایی و ماوریزها خوش نداشتند دیرینه‌شناسان برای‌شان بگویند اجدادشان نیمی از انواع پرندگان را که در هاوایی و زیلاندا جدید تکامل کرده بودند نابود ساخته‌اند، همچنان که مردمان بومی امریکا خوش نداشتند باستان‌شناسان برای‌شان بگویند که مردمان اناسازی بخش‌هایی از امریکای جنوب‌غربی را خالی از جنگل کرده‌اند. یافته‌های دیرینه‌شناسان و باستان‌شناسان برای برخی از شنوندگان شبیه به بهانه‌ی نژادپرستانه‌ی است، پرداخته شده توسط سفیدها برای خلع ید افراد بومی. مثل این است که دانشمندان بگویند «اجداد شما مباشرین بد زمین‌های‌شان بودند، از این‌رو سزاوار بودند که خلع ید شوند». برخی از سفیدپوستان امریکا و استرالیا که مخالف حقوق ماهانه و پرداخت غرامات زمین برای باشندگان بومی امریکا و استرالیا اند، در واقع ابتکار پیشبرد این بحث را به‌دست گرفته‌اند. نه تنها افراد بومی، بلکه برخی از انتروپولوژیست‌ها و باستان‌شناسانی که آن‌ها را مطالعه می‌کنند و با آن‌ها آشنا می‌شوند، به اکتشافات اخیر به‌مثابه‌ی دروغ‌های نژادباورانه نگاه می‌کنند.

برخی از افراد بومی و انتروپولوژیست‌هایی که با آن‌ها همسویی دارند موضع‌شان افراطی و مخالف است. آن‌ها تاکید می‌ورزند که افراد بومی در گذشته (و معاصرین‌شان امروز) انسان‌های نجیب و مباشرین آگاه محیط زیست بوده‌اند، طبیعت را از نزدیک می‌شناختند و به آن احترام داشتند، در بهشت مجازی و بی‌گناه زندگی می‌کردند و هرگز هم دست به خلاف‌ورزی نده‌اند. چنان‌که روزی یکی از شکارچیان نیوگینی به من گفت «اگر روزی موفق شوم که کبوتر بزرگی را از یک سمت روستا شکارکنم، یک هفته انتظار می‌کنم تا بار دیگر از سمت مخالف کبوترانی را شکارکنم». فقط ساکنان شیطان‌صفت جهان اول‌اند که بیگانه از طبیعت‌اند، به محیط زیست احترام ندارند و ویران‌ش می‌کنند.

حبیبه سرابی برنده‌ی جایزه‌ی «صلح جهانی» اداره‌ی انگشافی سازمان ملل متحد شد

برگزار کرد و از تلاش‌های او در راستای تأمین صلح و ثبات و کسب جایزه و افتخار برای افغانستان تقدیر کرد. حبیبه سرابی در این مراسم گفت: «کار و فعالیت من صرفاً برای به‌دست آوردن جوایز و پاداش نبوده، اما هنگامی که برای یک کار خوب تقدیر می‌شوم، خیلی احساس مسرت می‌کنم.»

او همچنان گفت که کسب این جایزه افتخاری است برای همه‌ی افغان‌ها به‌ویژه زنان افغانستان.

حبیبه سرابی اکنون معاون شورای عالی صلح است. او قبل از این به‌عنوان اولین والی زن در افغانستان جایزه‌ی بزرگ «رهبریت» را از کشور فیلیپین دریافت کرده بود.

اطلاعات روز: جایزه‌ی جهانی صلح توسط شبکه‌ی جهانی صلح برنامه‌ی انگشافی سازمان ملل متحد سالانه به چهره‌های فعال و تأثیرگذار در تأمین صلح در آسیای جنوبی اهدا می‌شود.

حبیبه سرابی برنده‌ی این جایزه در سال ۲۰۱۶ بود که به تاریخ ۹ فیروزی سال ۲۰۱۷ این جایزه توسط شبکه‌ی جهانی صلح در تایلند به وی اهدا شد.

این جایزه سالانه به فعالین کشورهای آسیای جنوبی به‌ویژه کشورهای درگیر جنگ اعطا می‌شود که امسال از میان ۱۰۰ نامزد از کشورهای آسیای جنوبی به حبیبه سرابی اعطا شد. شورای عالی صلح افغانستان دیروز (یکشنبه ۲۴ دلو) محفل ارج‌گذاری به تلاش‌ها و کسب جایزه توسط خانم سرابی را



ناتو و بررسی ادعای کشته شدن ۲۲ غیر نظامی افغان در نتیجهی حملات هوایی امریکا

■ نیویارک تایمز / مجیب مشعل و تیمور شاه
■ ترجمه: حمید مهدوی



با این حال، بستگان قربانیان داستان متفاوتی ارائه کردند. حمید گل، ۱۸ ساله، که در لشکرگاه مرکز این ولایت نوشابه می‌فروشد گفت که ۹ عضو خانواده‌اش در قریه‌ی لکری در ولسوالی سنگین توسط حملات هوایی کشته شدند. حمید گل گفت که او و یکی از برادرانش، که او نیز در لشکرگاه بود، تنها اعضای بازمانده‌ی خانواده‌شان هستند. ملا پاچا، پدر آن‌ها، سال گذشته در انفجاری کشته شده بود. آقای گل گفت: «برادر کلان ترم و من به قریه سفر کردیم تا در بایم مادر، برادران و خواهرمان چگونه کشته شده‌اند.» «وقتی ما رسیدیم، روستانشینان آن‌ها را از مخروبه‌ها بیرون می‌کشیدند.» آقای گل گفت که درگیری‌ها در اطراف روستایش خانواده‌ی او را مجبور کرده بود به لشکرگاه نقل مکان کند، اما مادر و خواهر و برادرانش به دلیل تشدید خشونت در لشکرگاه حدود سه ماه قبل به سنگین بازگشته بودند. او گفت که حملات هوایی بی‌بی بختاور، مادر ۴۰ ساله‌اش، شش برادرش که ۴ تا ۱۷ ساله بودند، ناز بی بی، خواهر ۵ ساله‌ی او و یک کودک برادرش را کشته است. حاجی محمد داوود، بزرگی از ولسوالی سنگین که به لشکرگاه فرار کرده است گفت که حمله‌ی دیگری خانه‌ی معلم فدامحمد را هدف قرار داد و او و ۱۲ عضو خانواده‌اش دو زنش، دو عروس و هشت کودک او را کشت. آقای داوود گفت که حملات هوایی خانه‌های نزدیک به یک مسجد، جایی که جنگجویان طالبان در آن اقامت داشتند تخریب کرده و در مجموع ۲۲ غیر نظامی را کشتند. او گفت که این تعداد تلفات توسط افرادی که در تدفین حضور داشتند، نیز تایید شده است. او گفت: «هیچ شکی وجود ندارد که غیر نظامیان کشته شده‌اند و حکومت نباید آن‌ها را پنهان یارد کند.» «این عادلانه نیست.»

که ۴ تا ۱۷ ساله بودند، ناز بی بی، خواهر ۵ ساله‌ی او و یک کودک برادرش را کشته است. حاجی محمد داوود، بزرگی از ولسوالی سنگین که به لشکرگاه فرار کرده است گفت که حمله‌ی دیگری خانه‌ی معلم فدامحمد را هدف قرار داد و او و ۱۲ عضو خانواده‌اش - دو زنش، دو عروس و هشت کودک او - را کشت. آقای داوود گفت که حملات هوایی خانه‌های نزدیک به یک مسجد، جایی که جنگجویان طالبان در آن اقامت داشتند تخریب کرده و در مجموع ۲۲ غیر نظامی را کشتند. او گفت که

گفت: «برادر کلان ترم و من به قریه سفر کردیم تا در بایم مادر، برادران و خواهرمان چگونه کشته شده‌اند.» «وقتی ما رسیدیم، روستانشینان آن‌ها را از مخروبه‌ها بیرون می‌کشیدند.» آقای گل گفت که درگیری‌ها در اطراف روستایش خانواده‌ی او را مجبور کرده بود به لشکرگاه نقل مکان کند، اما مادر و خواهر و برادرانش به دلیل تشدید خشونت در لشکرگاه حدود سه ماه قبل به سنگین بازگشته بودند. او گفت که حملات هوایی بی‌بی بختاور، مادر ۴۰ ساله‌اش، شش برادرش

کابل، افغانستان - مقام‌های ارتش روز شنبه گفتند ماموریت ناتو در افغانستان تحقیقات ابتدایی در مورد ادعاهای کشته شدن بیش از ۲۰ غیر نظامی در نتیجهی حملات هوایی اخیر امریکایی‌ها در ولایت جنوبی هلمند را آغاز کرده است. بزرگان ولسوالی سنگین، صحنه‌ی درگیری‌های سنگین در هفته‌های اخیر، با انفجار پست‌های ارتش افغانستان توسط طالبان در آنجا، گفته‌اند که چندین حمله‌ی هوایی امریکایی‌ها در اوایل صبح روز جمعه دست‌کم ۲۲ غیر نظامی، از جمله چندین زن و کودک، را کشته است.

جنرال چارلز کلیولند، سخنگوی ماموریت ناتو به رهبری امریکا، تاکید کرد فرماندهی ارتش هیچ شواهد قطعی‌یی را که نشان بدهد غیر نظامیان در این حملات هوایی کشته شده باشند، ندیده است؛ اما گفت که «یک بررسی رسمی برای مشخص کردن اعتبار این ادعاها» آغاز شده است. او علاوه کرد که تیم تحقیقات شامل افسران ناتو، خارج از فرماندهان امریکایی، است تا از بی‌طرفی اطمینان حاصل شود. جنرال کلیولند گفت: «ما قطعاً در این مورد تحقیق می‌کنیم و ما ادعاهای کشته شدن غیر نظامیان را جدی می‌گیریم، هر چند در این مرحله به صورت کل هیچ نشانه‌ی در دسترس نداریم که نشان بدهد غیر نظامیان کشته شده‌اند.»

با این حال، بستگان قربانیان داستان متفاوتی ارائه کردند. حمید گل، ۱۸ ساله، که در لشکرگاه مرکز این ولایت نوشابه می‌فروشد گفت که ۹ عضو خانواده‌اش در قریه‌ی لکری در ولسوالی سنگین توسط حملات هوایی کشته شدند. حمید گل گفت که او و یکی از برادرانش، که او نیز در لشکرگاه بود، تنها اعضای بازمانده‌ی خانواده‌شان هستند. ملا پاچا، پدر آن‌ها، سال گذشته در انفجاری کشته شده بود. آقای گل

این تعداد تلفات توسط افرادی که در تدفین حضور داشتند، نیز تایید شده است. او گفت: «هیچ شکی وجود ندارد که غیر نظامیان کشته شده‌اند و حکومت نباید آن‌ها را پنهان یارد کند.» «این عادلانه نیست.»

این ادعاها چند روز پس از آن مطرح می‌شود که ملل متحد در افغانستان در مورد افزایش دراماتیک تلفات غیر نظامیان در نتیجه‌ی عملیات‌های هوایی ابراز نگرانی کرد. این اداره در گزارش‌اش که هفته‌ی گذشته منتشر شد، گفت که حملات هوایی نیروهای هوایی بین‌المللی و افغان در سال ۲۰۱۶ باعث تلفات ۵۹۰ غیر نظامی شده است (۲۵۰ مورد مرگ و ۳۴۰ مورد جراحت)، که بالاترین تعداد تلفات از سال ۲۰۰۹ بدین سو و نزدیک به دو برابر [تعداد تلفات] ثبت شده در سال ۲۰۱۵ است. روز شنبه، مقام‌های حکومت افغانستان در ولایت هلمند هم‌چنان این ادعاها که غیر نظامیان در سنگین کشته شده‌اند، را رد کردند. اما استدلال آن‌ها هم‌چنین بر کنترل در حال انقباض حکومت در آنجا تاکید داشت، چون طالبان اساساً تمام قلمرو، درست تا دروازه‌های محوطه‌ی حکومتی در سنگین، را تصرف کرده‌اند. حیات‌الله حیات، والی این ولایت در یک کنفرانس خبری در لشکرگاه گفت: «منطقه‌ی که هدف قرار گرفته است، عاری از غیر نظامیان است - در سه کیلومتری مرکز ولسوالی باشنده‌ی وجود ندارد و حملات هوایی در ۷۰۰ متری محوطه‌ی ولسوالی انجام شده‌اند، جایی که هیچ غیر نظامی‌یی در آن فاصله نزدیک به میدان نبرد قادر به زندگی کردن نیست.» او گفت که حدود ۶۰ جنگجوی طالبان در این حملات هوایی کشته شدند.

جنرال کلیولند گفت در جریان هفته‌ی گذشته ایالات متحده به‌تثانی حدود ۳۰ حمله‌ی «هوا به زمین» - اصطلاحی که حملات هوایی و هم‌چنین توپ‌های شلیک‌شده از چرخبال‌ها را شامل می‌شود - در این ولسوالی انجام داده است که نشانه‌ی میزان شدت جنگ در سنگین است. نیروهای هوایی افغان نیز در نبردهای اخیر دخیل بودند، اما مقام‌ها در مورد تعداد دقیق حملاتی که هواپیماهای آن‌ها در سنگین انجام داده‌اند، اظهار نظر نمی‌کنند. جنرال دولت وزیر، سخنگوی وزارت دفاع گفت که در سه ماه گذشته نیروهای هوایی افغان در کل هلمند ۱۱۴ حمله‌ی هوایی انجام داده‌اند. هلمند، از لحاظ قلمرو، بزرگترین ولایت افغانستان است و در کشت خشخاش پیش‌تاز است. از آنجایی که طالبان کنترل بخش بزرگ آن را از حکومت به‌چنگ آورده‌اند، ماموریت ناتو به رهبری امریکا که به یک ماموریت کوچک مشوره‌دهی و مبارزه با تروریسم تبدیل شده است، به دخالت بیشتر وادار شده است. در حال حاضر، حدود ۱۳۳۰۰ سرباز بین‌المللی در افغانستان وجود دارد که ۸۴۰۰ تن آن‌ها امریکایی هستند.

ایالات متحده اعلان کرده است که ۳۰۰ تفنگدار دریایی [آن] در بهار به هلمند باز خواهند گشت تا به نیروهای افغان که تلاش می‌کنند مانع طالبان شوند - طالبانی که حلقه را در اطراف لشکرگاه تنگ‌تر کرده‌اند - مشوره داده و به آن‌ها کمک کنند. در اوج جنگ در هلمند در سال ۲۰۱۱، حدود ۲۰۰۰۰ تفنگدار دریایی در این ولایت وجود داشتند. بازگشت آن‌ها به هلمند، پس از خروج کامل در سال ۲۰۱۴، گویای جهت جنگ است. جنرال جان نیکولسن، فرمانده نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان، هفته‌ی گذشته این جنگ را بن‌بست توصیف کرد و گفت که او برای کمک به نیروهای افغان در شکستن بن‌بست به «چند هزار» سرباز بیشتر نیاز خواهد داشت. هم‌چنین روز شنبه، یک بمب‌گذار انتحاری در لشکرگاه مواد انفجاری را جلو یک بانک منفر ساخت، حداقل ۸ تن را کشت و ۲۵ تن دیگر را زخمی ساخت که به گفته‌ی عبدالکریم اتل، رییس شورای ولایتی این ولایت در میان آن‌ها سربازان و غیر نظامیان بودند.

چرا شرایط برای زنان افغان بهتر نمی‌شود؟

عرفان مهران



وزارت امور زنان افغانستان اعلام کرده است که حضور زنان در ادارات دولتی کاهش یافته است. سبب آن هم نبودن معین این وزارت در یک کنفرانس خبری در کابل گفته است که بررسی این وزارت نشان می‌دهد که حضور زنان در ادارات دولتی از ۲۲ درصد به ۲۰ درصد تقلیل یافته است. مسئولان این اداره گفته‌اند که عدم شایسته‌سالاری، نگرش منفی نسبت به زنان، آزار و اذیت زنان و محدودیت‌های دیگر اجتماعی دلایل اصلی کاهش حضور زنان در ادارات دولتی می‌باشند.

بحث حضور زنان در ادارات دولتی با تشکیل نظام جدید سیاسی در افغانستان همواره به‌مثابه‌ی یک اصل اساسی مطرح بوده است. زنان که پیش از این در دوران طالبان و حکومت مجاهدین اجازه‌ی کار در بیرون از خانه را نداشتند، در این دوره این فرصت را به‌دست آوردند تا نقش موثرتری را در جامعه ایفا کنند. این فرصت در واقع با حمایت جامعه‌ی بین‌المللی صورت گرفت و تحت فشار آنان تمهیدات لازم قانونی برای ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان، انجام شد. جامعه‌ی بین‌المللی حمایت از زنان را به‌مثابه‌ی یکی از پیش‌شرط‌های خود برای کمک به افغانستان قرار دادند تا به این ترتیب زنان را از گوشه‌های خانه به بیرون کشانند و آنان را وارد جامعه سازند.

بنابراین، در طول این دوره‌ی جدید حمایت از زنان به‌مثابه‌ی یک اولویت جامعه‌ی بین‌المللی مطرح بود و تا این‌جا به برخی دست‌آورد‌هایی نیز نائل شده‌اند. تعریف جدیدی از نقش زنان در جامعه و ایجاد حمایت‌های قانونی و تشکیل طرز‌العمل‌های مشخص برای حضور حتمی زنان در ادارات دولتی و ساختارها و نهادهای رسمی، بسیاری

از دروازه‌هایی را که در دوره‌های قبلی به روی زنان بسته بود، گشود و بخش قابل توجهی از زنان را وارد فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی کرد.

با این‌همه، این فرصت‌ها صرفاً در برخی از شهرهای بزرگ محدود ماند و جمعیت کثیر زنان را که در مناطق روستایی و دورافتاده‌ی افغانستان زندگی می‌کنند، تحت پوشش قرار نداد. تمامی تلاش‌ها، محدود به مناطق شهری شد و قراء و قصبات از محور توجه نهادهای مدافع حقوق زنان محروم ماند. علاوه بر این بسیاری از اقداماتی که از سوی نهادهای مختلف، انجوها، موسسات و نهادهای جامعه‌ی مدنی صورت گرفت، پیامدهای ناخواسته‌ی بی‌برای زنان در پی داشته است. اکثر این کارها که به‌شکل بالمقطع، محدود، پروژه‌ی و سلیقوی اجرا شدند، روح حاکم بر جامعه‌ی افغانستان را درک نکردند و با اقدامات شتاب‌زده و غیرواقعی‌بانه، تصویر مطلوبی را ارائه نکردند. این اقدامات پیامدهای ناخواسته‌ی بی‌برای داشت که اندک‌اندک خود را نشان می‌دهند و برخلاف تصور نه‌تنها شرایط را برای زنان بهتر نکرده، بلکه باعث افزایش حساسیت‌ها، تشدید شکاف‌های جنسیتی و سردرگمی در الگوهای زنان افغان نیز گردیده است.

بدون شک، بخش عمده‌ی از مشکلات ناشی از سنت‌های متصلب اجتماعی و فرهنگی است که طی سال‌ها در این جامعه حاکم بوده است. این راه را برای بسیاری از زنان تنگ کرده و به نحوی مانع از حضور آنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و اجتماعی شده است. اما علاوه بر این مشکلات فرهنگی دیرپای، پیامدهای ناخواسته بسیاری از برنامه‌های حمایت از زنان نیز در بدتر شدن شرایط زنان در افغانستان موثر می‌باشد.

این چیزی است که متأسفانه تاکنون از چشم کارشناسان و سیاست‌گذاران امور به دور باقی مانده است و در تمامی تحلیل‌ها و موضع‌گیری‌ها نسبت به مسائل زندگی زنان در افغانستان، انگشت اتهام به سنت‌های فرهنگی و اجتماعی و عدم آگاهی مردم نشانه می‌رود. در حالی که بسیاری از برنامه‌هایی که در جهت حمایت از زنان و به هدف بهبود شرایط زندگی آنان صورت گرفته است، با پیامدهای ناخواسته‌ی خود تأثیرات منفی از خود به‌جا گذاشته‌اند.

تلاش برای بهبود وضعیت زنان و زمینه‌سازی برای حضور موثر آنان در ساختارهای دولتی، یک ضرورت استراتژیک و اساسی است و برای رسیدن به آن باید اقدامات جامع و همه‌جانبه روی دست گرفته شود. دولت باید ابتکار عمل در این حوزه را به دست گرفته و با طرح استراتژی جامع، تمامی پیامدهای خواسته و ناخواسته‌ی برنامه‌هایی را که در جهت حمایت از زنان انجام می‌شوند، ارزیابی نماید. از طرف دیگر، اقدامات در این زمینه باید فراتر از مناطق شهری باشد و جمعیت بیشتر زنان را که در حال حاضر در قریه‌ها و قصبات زندگی می‌کنند، تحت پوشش قرار دهد. زنان مناطق روستایی حتی بیشتر از زنان شهری باید مورد پوشش دولت و نهادهای مدافع حقوق زنان قرار گیرند، زیرا آنان به‌مراتب بیشتر از زنان شهری درگیر مسائل جاری هستند و قربانی‌ها و فشارهای بیشتری را متحمل می‌شوند. بدیهی است که وجود استانداردهای دوگانه برای زنان و مواجهه‌ی دوگانه با این مساله، شرایط را حادث‌تر خواهد کرد و در نهایت حضور زنان در جامعه و سیاست و اقتصاد از این هم کمتر خواهد شد.

چهل تک

سخن‌سازان

شاعر یک عصیان درد آفرین

بارق شفیعی، شاعر انقلابی دوران حاکمیت کمونیست‌ها، در آلمان درگذشت. واکنش‌های بسیار همدلانه و سوگوارانه‌ی که در رسانه‌های اینترنتی افغانستان نسبت به او ابراز شدند، برای من پرسش‌آور بودند. آن هم نه به‌خاطر این‌که اسامی هر مرگی، و مخصوصاً مرگ یک شاعر و فرهنگی، سبب انگیزش عاطفی همدلانه در میان افراد می‌شود. و نه به‌خاطر این‌که بارق شفیعی در سال‌های پس از سقوط رژیم کمونیستی راه متفاوتی در پیش گرفت و ادبیات متفاوتی تولید کرد و اساساً فعالیت ادبی قابل‌اعتنایی داشت. بسیاری، به‌ویژه جوانان اهل شعر و ادب و حساسیت‌های هنری، بارق شفیعی را گرامی داشتند چون او را از پیش‌کسوتان شعر نو در افغانستان می‌دانستند. در این میان، عده‌ی که دوران حاکمیت کمونیست‌ها را دوران سپاهی می‌دانند نیز از او در رسانه‌هایی چون فیس‌بوک تجلیل کردند. این همان وجه پرسش‌آور این قصه است.

بارق شفیعی شعرهای انقلابی بسیار گفت. شاید بهتر باشد آن شعرها را «نظم» بنامیم. در آن نظم‌ها، او زبان سرخ چیزی شد که خودش انقلاب می‌خواند (اما در تاریخ افغانستان به نام کودتا ثبت شده است). نظم‌های انقلابی شفیعی از این جهت اهمیت دارند که در آن دوره او از سراینده گان بلیغ چنان نظم‌هایی بود. یعنی آنچه او برای انقلاب یا در مذمت نظم مستقر پیش از کودتا می‌سرود، قوی و تأثیرگذار بود. به بیانی دیگر، زبان و ادب و فن بیان بارق شفیعی در ملت‌پس کردن فضای انقلابی آن دوران و تحکیم نظم جدیدی که از شورش در برابر نظم کهن برخاسته بود، نقش برجسته داشت. از آن سو، می‌دانیم که رژیم کمونیستی نمی‌توانست بدون عرضه کردن یک روایت جذاب و انقلابی (به مدد استعدادهایی چون بارق شفیعی) حتا همان‌قدر که سر پا ماند، بماند. بارق شفیعی هر چه که از مفاهیمی چون عدالت، رنج کارگر، ستم فرادستان، درد بی‌نویان و شکاف‌های طبقاتی در ذهن داشت، داشت. اما آنچه او برای به‌میان آمدن و مستحکم شدن نظام شداد کمونیستی گفت و سرود، در نهایت بازوی ادبی-هنری ستمگری شد.

شاید کسی بگوید که همه اشتباه می‌کنند و ای بسا که بارق شفیعی نیز دل خوشی از آن دوران نداشته بوده باشد. شاید چنین باشد. اما برای من سوال اصلی این است که کسانی که هم از ستم‌های آن دوران می‌نالند (دورانی که افرادی چون بارق شفیعی در ایجاد و تداوم آن نقش داشتند) و هم شعرهای بارق شفیعی را می‌ستایند، این دو وجه قضیه را چه‌گونه کنار هم می‌نشانند؟

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: خلیل پژواک

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگر: الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

hussainjoya2014@gmail.com

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲

چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



بگو مگو facebook

Mani Meshkinqalam



امروز در کنفرانس ملی حقوق بشر و پولیس، که از سوی «کمیسون مستقل حقوق بشر» دایر شده بود، بعد از سخنرانی دکتر سیماسر، تاج محمد جاهد، وزیر داخله هم پیرامون مشکلات اداره‌اش سخنرانی کرد.

پشت حرف‌های وزیر داخله واقعیتهای پنهان بود. وزیر گفت، که ما نباید توقع داشته باشیم همه چیز یک‌شبه حل شود. ما سی سال درگیر جنگ بودیم و در این مدت، داشته‌های خود را هم از دست داده‌ایم. این حرف‌های وزیر مرا به این فکر واداشت، که واقعا توقع مردم از سران حکومت وحدت ملی و مسئولین نهادهای حکومتی غیرواقع‌بینانه است. کشوری که سی سال جنگ کرده و همه‌ی داروندارش را به توپ بسته، چه انتظاری است که یک‌شبه همه چیز درست شود. این کشور همان‌قدر، که امکانات و ساختارهایش را از دست داده توان‌مندی انسانی را هم از آن‌ها گرفته. حالا چطور می‌شود، از آدم‌های که سی سال درگیر جنگ بودند و فقط به فکر ویرانی توقع یک‌شبه آبادانی کشور را داشت؟ اختیارات هنوز در دست همان آدم‌هایی است که دیروز برای ویرانی این خاک تلاش کردند. آما، ما دل‌مان خوش است، که این کشور آباد می‌شود و از زندگی خود در این سرزمین لذت خواهیم برد.

Sakhidad Hatif



یکی از آرزوهای من (پنجاه‌وهفت تا آرزو دارم) این است که روزی در برنامه‌ی «چایخانه‌ی تلویزیون پایتخت شرکت کنم و در حضور لافوک‌های دیگر آن برنامه چنان داستان‌های کلاه‌افکن باورنکردنی بگویم که در ختم برنامه لافوک‌های موسفید با هم بنشینند و بگویند:

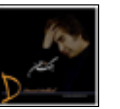
– نه، به نظرم لاف زد. ههههه. چارمغز چه‌طور دومغز می‌شود؟

– شاید دو مغز شود. پدرکلانم می‌گفت در چنداول سابق می‌شد. مگر این که از بین دومغز یا چارمغز آهنگ استاد امیرمحمد خان پخش شود یک کم تیز است...
– والله من آهنگ‌اش را هم باور می‌کنم. مامايم از اندراب برای ما یک سیر بادام کاغذی آورده بود. همو بادام‌ها از روی شب اذان می‌دادند. آخر پدرم ترسید، برد به دریا انداخت‌شان. من آن قسمت‌اش را باور نکردم که گفت آهنگ استاد امیرمحمد که پخش می‌شد، بوت‌های ما جوهره می‌شدند و گریه می‌کردند.

– برای من هم آن قسمت اش ضیاف تیز بود. البته کاکایم می‌گفت که بوت‌ها، هر وقت نه، در ماه محرم گریه می‌کنند. شیرآغا همسایه‌ی ما در مسجد چنداول پای خود را در بوتی مانده بود که گریه می‌کرد. خدا گرفتار نکند. ماه ماه محرم بود. تا به خانه رسید یک درخت سنجد از پشت زانویش برآمد. پُر خار.

– بگویم این بچه را دیگر در چایخانه دعوت نکنند. زیاد لاف می‌زند.

Dawood Sarkhosh



یک پرسش و پیشنهاد نرم

از اعتراض شجاعانه‌ی «دکتر امین احمدی» در «ارگ» بسیار خوشم آمد. او توانست تمام رنج تاریخی مردم را در چهار جمله فشرده کند و به نکته‌ی حساس که همان «معذرت ساده» است، اشاره کند.

چنان‌چه دو سال پیش «معلم عزیز رویش»، خط‌مشی روشن و برنامه‌های راهبردی برای «اشرف‌غنی» ترسیم کرده بود و اگر پای خودخواهی و غرور بی‌جا در میان نبود و گوشزد آن معلم مبتکر شنیده می‌شد، در آن‌صورت «دولت وحدت ملی» چالش‌های کم‌تری را پشت سر می‌گذاشت. مثل آفتاب روشن است که توانایی مدیریت معلم عزیز امروزه در دنیا زبانزد همه است.

من هم سال‌هاست می‌گویم که همه در انتظار یک پوزش‌خواهی مختصر است. من پرسشی دارم که حاوی پیشنهادی هم است. اگر رییس‌جمهور، دکتر امین احمدی و معلم عزیز رویش را در حضورش بطلبد و به رسم دل‌داری از مردمی استبدادزده و آسیب‌دیده و استحکام مفهوم ملت، یک پوزش‌خواهی کوچک نمادین کند، چه زیان سیاسی می‌کند؟ آیا زخم دیرینه‌ی بدنه‌ی از ملت مرهم نخواهد شد؟ من ایمان دارم با یک پوزش‌خواهی نمادین، هزاره‌ها سراپا تسلیم تصمیم‌های دولت خواهند شد و تا پای جان در رکاب رییس‌جمهور مملکت خواهند ایستاد. امیدوارم این انتظار من آرزوی محال و خواب و خیال نباشد و نماند.

به امید آن‌روز!

تدارک تظاهرات بزرگ در مکزیک علیه ترامپ

در این میان، دونالد ترامپ از این‌که هزینه‌ی ساخت‌وساز دیوار مرزی بیش از ۲۱ میلیارد دلار برآورد شده است ناراضی‌تی خود را اعلام کرد.

او در صفحه‌ی توییتر خود نوشته است که به‌زودی وارد موضوع این برنامه خواهد شد و تلاش خواهد کرد تا هزینه‌ی آن را کاهش

دها سازمان و نهاد مدنی در مکزیک تظاهرات بزرگی را در سراسر این کشور علیه برنامه‌ی دیوارکشی دونالد ترامپ، رییس‌جمهور امریکا در مرز مکزیک تدارک دیده‌اند.

این تظاهرات قرار است در ۲۰ شهر مکزیک برگزار شود و مرکز اصلی آن در برابر بنای استقلال مکزیکوستی، پایتخت این کشور است.

اردوغان درباره‌ی عملیات در سوریه: بعد از الباب به سوی رقه می‌رویم

در اردوگاه‌های ترکیه هستند، می‌توانند به کشورشان بازگردند.

پیشروی نیروهای سوریه در جنوب الباب چند روز پیش هم گزارش‌هایی از پیشروی نیروهای دولت سوریه در جنوب شهر الباب منتشر شد.

گروه ناظر حقوق بشر سوریه گفته بود که نیروهای سوری توانسته اند تپه «تل عوشیه» را محاصره کرده و به ۹ کیلومتری جنوب شرقی شهر الباب برسند.

این تپه در مجاورت راه ارتباطی الباب و رقه، استانی در همسایگی آن قرار گرفته است.

شهر الباب از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و همواره در طی ۵ سال جنگ سوریه برای طرف‌های درگیر حائز اهمیت بسیاری بوده است.

(بی‌بی‌سی)

به وسعت ۵ هزار کیلومتر تا شهر رقه است. رقه، پایگاه اصلی داعش در سوریه است.

رییس‌جمهور ترکیه این سخنان را قبل از ترک کشور برای سفری رسمی به کشورهای

بحرین، عربستان سعودی و قطر بیان کرد. ترکیه مدتها است که از ایجاد «منطقه‌ی امن» برای غیرنظامیان در شمال سوریه حمایت

می‌کند. این کشور همچنین گفته است که این منطقه باید با ایجاد منطقه‌ی پرواز ممنوع تحت حفاظت قرار بگیرد.

آقای اردوغان در این باره گفت که او این موضوع را با امریکا و روسیه در میان گذاشته و به آن‌ها گفته که ترکیه آماده‌ی همکاری است.

به گفته‌ی رییس‌جمهور ترکیه با ایجاد این منطقه امن هم از مهاجرت و پناهندگی جلوگیری، و هم برای آن‌ها منطقه‌ی مسکونی فراهم می‌شود. علاوه بر این سوریه‌هایی که

اشتاین‌مایر رییس‌جمهور آلمان شد

که ترس و نگرانی‌های مردم را به بازی می‌گیرد.

پس از پیروزی آقای ترامپ، او پیش‌بینی کرد که روابط بین دو کشور با «مشکلات بیشتری» روبه‌رو شود.

او همچنین گفت که تمامی کارکنان وزارت خارجه تلاش کردند تا نشانه‌هایی «روشن و مشخص» در زمینه سیاست خارجی آقای ترامپ پیدا کنند. (بی‌بی‌سی)

آقای اشتاین‌مایر از حمایت احزاب اصلی این کشور برخوردار بود. او یکی از اعضای حزب سوسیال دموکرات است.

رییس‌جمهور آلمان قدرت اجرایی ندارد و صدر اعظم در این کشور دارای اختیارات و قدرت اجرایی است.

سال گذشته زمانی که آقای اشتاین‌مایر هنوز پست وزارت خارجه را در اختیار داشت از دونالد ترامپ به عنوان «مبلغ تنفر» نام برد

پارلمان و نمایندگان ۱۶ ایالت آلمان فرانک والتر اشتاین‌مایر، وزیر خارجه‌ی سابق، را به‌عنوان رییس‌جمهور جدید این کشور انتخاب کردند.

پیشتر نیز نظرسنجی‌ها حاکی از محبوبیت این سیاستمدار ۶۱ ساله بود.

براساس گزارش خبرگزاری‌ها آقای اشتاین‌مایر ۹۳۱ رای از ۱۲۳۹ رای نمایندگان را به‌دست آورد.

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ترکمنستان

از سوی کمیسیون مرکزی انتخابات ترکمنستان تأیید شده است.

در سپتامبر ۲۰۱۶ (سنبله‌ی سال جاری) تغییرات جدیدی در قانون اساسی ترکمنستان ایجاد شد که بر اساس آن محدودیت سنی ۷۰ سال برای نامزدهای ریاست‌جمهوری حذف شد و دوره ریاست‌جمهوری از پنج سال به هفت سال افزایش یافت. بدین ترتیب بردی‌محمدف از مقامات ترکمنستان به‌عنوان نامزد دیگر به حکومت خود ادامه دهد.

برای این دوره از انتخابات ریاست جمهوری ترکمنستان، سازمان جامعه همسود، شامل برخی از جمهوری‌های مستقل اتحاد جماهیر شوروی سابق و نیز سازمان امنیت و همکاری اروپا هیئت‌هایی به‌عنوان ناظران انتخابات اعزام کرده‌اند.

(رادپو زمانه)

درصد آرا را به‌دست آورد. قربان‌قلی بردی‌محمدف افزون بر رییس‌جمهور ترکمنستان، رئیس دولت و فرمانده ارتش نیز هست. او همچنین بر رسانه‌ها و جامعه مدنی نظارت دارد.

بردی‌محمدف از سوی حزب دمکراتیک، ادامه‌دهنده حزب کمونیست ترکمنستان نامزد انتخابات است. این حزب از سال ۱۹۹۱ اکثریت پارلمان این کشور را در دست دارد.

در ترکمنستان به‌جز حزب دمکراتیک، دو حزب اتحادیه‌ی صنعتگران و کارآفرینان که در سال ۲۰۱۲ تأسیس شده و حزب کشاورزان که از سال ۲۰۱۴ آغاز به‌کار کرده، اجازه فعالیت دارند. ۸ رقیب بردی‌محمدف در انتخابات از مقامات محلی و رده متوسط کشور به‌شمار می‌روند که در منطقه‌ی خود شناخته‌شده هستند.

صلاحیت ۹ نامزد انتخابات ریاست جمهوری

از صبح یکشنبه ۱۲ فیبروری / ۲۴ دلو انتخابات ریاست جمهوری در ترکمنستان با ۹ کاندیدا آغاز شد. همچون دو دوره گذشته قربان‌قلی بردی‌محمدف، رییس‌جمهور کنونی بیشترین بخت پیروزی را دارد.

با این‌که تمام پیش‌بینی‌ها حاکی است که در این انتخابات نیز قربان‌قلی بردی‌محمدف ۶۰ ساله پیروز خواهد شد اما مسئله چالش‌برانگیز میزان آرای او در این دوره نسبت به دوره‌های قبل است.

بردی‌محمدف در دسامبر سال ۲۰۰۶، سال درگذشت صفرمراد نیازف، نخستین رییس‌جمهور ترکمنستان خود را کاندیدای ریاست جمهوری کرد و در فیبروری ۲۰۰۷ با پیروزی در انتخابات روی کار آمد. او در آن سال ۸۹،۲۳ درصد آرا را کسب کرد و در انتخابات ریاست جمهوری بعدی که در فیبروری ۲۰۱۲ برگزار شد ۹۷،۱۴

استرالیا برای نخستین بار از یک عضو داعش «سلب تابعیت» کرد

بود که خودش در حمله یک هواپیمای بدون سرنشین در سال ۲۰۱۵ در عراق کشته شده، اما پس از آن، گزارش‌های متناقض دیگری منتشر شد که در مورد مرگ او ابراز تردید کرده‌اند. به گفته‌ی «آسترلین» در مورد وضعیت پنج فرزند او اطلاعی در دست نیست.

دولت استرالیا از سپتامبر ۲۰۱۴ به این سو، قوانین سخت‌گیرانه تازه‌ی با محوریت «امنیت ملی» تصویب کرده‌است که از جمله آن‌ها امکان سلب شهروندی افراد دوتابعیتی است.

(رادپو فردا)

فرانسه نیز ۲۴ دلو، به نقل از یک سخنگوی وزارت امور مهاجرت، تأیید کرده‌است که «فردی استرالیایی» در آغاز سال جاری میلادی سلب تابعیت شده‌است.

البته وزارت مهاجرت هويت این فرد را رسماً مشخص نکرده‌است.

شروف که تابعیت لبنانی نیز دارد، حدوداً ۳۵ ساله است و در سال ۲۰۱۳، همراه خانواده‌اش رهسپار سوریه شده بود.

روزنامه‌ی «آسترلین» گزارش داده‌است که همسر او در سال گذشته میلادی جان خود را از دست داد. گزارش‌هایی نیز منتشر شده

بنا بر گزارش‌ها از استرالیا، دولت کانبرا، برای نخستین بار از یک عضو گروهی موسوم به «حکومت اسلامی» که شهروند آن کشور بود، «سلب تابعیت» کرده‌است.

نخستین گزارش‌ها در این مورد روز شنبه ۲۳ دلو در رسانه‌ها و روزنامه‌های استرالیایی منتشر شد و مربوط به خالد شروف می‌شود؛ فردی که در سال ۲۰۱۴، در اوج پیشروی‌های گروه داعش، عکسی همراه فرزندانش، در حالی‌که سر بریده‌ی در دست دارند، منتشر کرده بود.

علاوه بر رسانه‌های استرالیایی، خبرگزاری

مارکو رویس، ستاره دورتموند پس از شکست ۲-۱ تیمش مقابل دارمشتات به انتقاد از عملکرد خط دفاع تیمش پرداخت.

شاگردان توماس توخل شنبه شب این هفته، در ادامه روند ضعیف‌شان در این فصل ۲-۱ مقابل دارمشتات شکست خوردند تا اولین پیروزی فصل تورستن فرینگز، سرمربی این تیم به ثبت برسد. پس از بازی رویس به انتقاد از خط دفاع تیمش پرداخت و آن را فاجعه خواند.

او گفت: «ما خوب کار نکردیم. همه بازیکنان فاجعه دفاع کردند.

رویس:افتضاح دفاع کردیم

دارمشتات موقعیت‌های بسیار خوبی داشت و تنها با توپ‌های بلند فرصت ایجاد می‌کرد. در نیمه دوم واقعا خوب کار نکردیم. هیچ تمجیدی به عملکردمان وارد نیست. متأسفانه نتیجه عادلانه بود. بازی که مربی از ما خواسته بود را انجام ندادیم. جرات پاس‌دادن نداشتیم. این شکست قابل توجیه نبود. باید راجع به آنچه رخ داد صحبت کنیم، نمی‌توان قیدش را زد. بار دیگر مقابل حریفی که واقعا باید شکستش می‌دادیم شکست خوردیم و این خیلی بد است.»

زیدان: خامس بازیکن کلیدی ماست

زیرا وارد شدن به چنین بازی بسیار دشوار است. او آرامش دارد و سعی می‌کند به تیم کمک کند. او یکی از بازیکنان کلیدی تیم ماست.»

زیدان درباره مصدومیت دانیلو گفت: «ما با ۳ دفاع کار را شروع کردیم و دانیلو و مارسلو در کناره‌ها به عنوان بال حضور داشتند ولی پس از مصدومیت برای اینکه تناسب ترکیب حفظ شد، تغییراتی ایجاد کردیم. ۱۵ روز بازی نکردیم و حالا هر ۳ روز یک بازی داریم. باید به تیم استراحت دهیم و تمرکزمان را روی بازی چهارشنبه قرار دهیم.»

ناواس: به شایعات درباره آینده‌ام توجهی ندارم

هم نمی‌دهم. مادرید باید بهترین بازیکنان را داشته باشد و من هر روز سخت تلاش می‌کنم که بهترین باشم، در کنار بهترین‌ها باشم و بتوانم سال‌ها در این تیم بمانم.»
ناواس تا تابستان ۲۰۲۰ با رئال قرارداد دارد و از اعتماد پرز به خودش خوشحال است. او در این رابطه گفت: «برای من این موضوع اهمیت زیادی دارد. او اعتمادش را به من نشان داده است. از این جهت آرام هستم و سعی می‌کنم پاسخ اعتماد تیم را بدهم.»

هانری: کانتبه بهترین بازیکن فصل است

و او هم خندید. دلیلی نمی‌بینم که او بهترین بازیکن فصل نشود. از حالاست که رای دادن‌ها شروع می‌شود و امسال کاندیدهای خوبی حضور دارند. زلاتان در ۳۵ سالگی برای تفریح گول‌زنی می‌کند. الکسیس گول می‌زند و پاس گول می‌دهد. لوکاکو با ۱۶ گول به صدر جدول گول‌زنان رسیده. سپس سادیو مانه، هری کین، دله آلی و کوین دی بروین حضور دارند ولی کانتبه ویژه است، شما متوجه او می‌شوید. معمولا بازیکنانی مثل کانتبه خیلی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. فقط وقتی در تیم نیستند غیبت‌شان حس می‌شود.»



اطلاع‌رسانی
دوشنبه ۲۵ دلو، ۱۳۹۵
سال ششم شماره ۱۲۴۵
۷

گذر نیمار از رکورد گول‌زنی رونالدینیو

نیمار، فوق ستاره برزیلی بارسا شنبه‌شب با گولی که مقابل آلاوز به ثمر رساند توانست از رکورد گول‌زنی هموطنش رونالدینیو گذر کند. بارسا شنبه‌شب در زمین آلاوز توانست با ۶ گول به پیروزی برسد. دو گول از سوارز و گول‌های نیمار، مسی، راکیتیچ و یک گول به خودی، حکم به برتری پرگول بارسا دادند. نیمار با گولی که به ثمر رساند، تعداد گول‌هایش برای آبی‌ناری‌ها را به ۹۵ رساند و از رکورد ۹۴ گول رونالدینیو پیشی گرفت. نیمار چندی پیش با گول‌زنی به ایبار توانسته بود با رکورد رونالدینیو برابری کند. رونالدینیو بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸، دو لالیگا و یک لیگ قهرمانان با بارسا فتح کرده بود.

نیمار با ۲۵ سال سن و با قراردادی که تا ۲۰۲۱ اعتبار دارد، بی‌شک می‌تواند تعداد گول‌هایش برای بارسا را افزایش داده و از ستاره‌هایی چون کلابورت، اتوو و ریوالدو هم پیشی بگیرد. لازم به ذکر است که رکورد گول‌زنی بارسلونا در اختیار مسی است. او تاکنون ۴۸۴ گول برای آبی‌ناری‌ها به ثمر رسانده است.

مارسلو: با تاکتیک‌های زیدان

مشکلی نداریم

شنبه‌شب گذشته، زیدان رئال را با سه مدافع مرکزی به میدان فرستاد؛ تاکتیکی که رئال را در نیمه اول با مشکل مواجه کرده بود.

با مصدومیت دانیلو در نیمه دوم بود که زیدان، خامس را به زمین فرستاد و رئال با سیستم ۲-۴-۴ جان تازه به خود گرفت. کهکشانی‌ها که نیمه اول را ۱-۱ به پایان برده بودند، در نیمه دوم دو گول زدند تا صدر را از بارسا پس بگیرند. مارسلو در پایان بازی گفت: «با استراتژی‌های زیدان هیچ مشکلی نداریم. هر چه او بگوید را انجام می‌دهیم. مقابل اوساسونا هافبک‌های زیادی در زمین داشتیم ولی به خوبی می‌دانستیم چگونه باید حمله کنیم.»

مصدومیت شدید مدافع اوساسونا: «جدا از رقابت ورزشی، همه ما ورزشکار هستیم و از دیدن صحنه مصدومیت تانو بسیار ناراحت شدم. آرزو می‌کنم هرچه زودتر به میادین بازگردد.»

بهترین بازیکن رئال: «نام بردن از یک نفر بی‌احترامی به سایرین است. ایسکو، ناچو، کیلور… همه خوب بودند. در نهایت این تیم بود که نتیجه گرفت.»

سیمئونه: ثبات‌مان را از دست

داده‌ایم

تیم سیمئونه در طول ۴ فصل اخیر، پایین‌تر از رده سوم لیگ را به پایان نرسانده و یک بار قهرمان نیز شده است. با این حال آن‌ها روزهای خوبی را سپری نمی‌کنند و نسبت به فصول گذشته نتایج ضعیف‌تری کسب کرده‌اند. حال سیمئونه تاکید کرد که ثبات تیمش از بین رفته است.

او گفت: «ما ثبات‌مان را از دست داده‌ایم و حریفان پیشرفت کرده‌اند و نتایج بهتری می‌گیرند بنابراین باید سخت تلاش کنیم تا به اهداف این فصل‌مان برسیم. رئال مادرید فصل خیلی خوبی دارد. وپارئال رقابت نزدیکی داشته و سویا در لیگ بهتر از ما ظاهر شده است. با این وجود، در حال حاضر خوشحالم زیرا بیشتر بازیکنان‌مان را در اختیار داریم. به جز آگوستو فرناندس و تیاگو که هفته آینده بازخواهند گشت، بقیه مشکلی ندارند. نتیجه بازی قبلی ما آن‌طور که می‌خواستیم نبود و ناراحت هستیم زیرا ماه‌ها تلاش کردیم که به فینال کوپا برسیم. ولی در هر دو نیمه و در مجموع در کل بازی در نوکمپ بهتر از حریف بودیم و به چنین عملکردهایی ادامه خواهیم داد.»

کلوپ: نباید تحت تاثیر فضا قرار بگیریم

می‌توانیم به چلسی برسیم، چه فکری راجع به من می‌کنید؟ واقعا جاه‌طلب یا دیوانه؟ شاید بتوانید تصور کنید که من خیلی هم تحت تاثیر نیستم زیرا تنها چیزی که باعث می‌شود در فوتبال چیزی را به دست آورید، این است که پیروز بازی‌ها شوید و ما ۲۰۱۷ را امشب شروع کردیم. نباید تحت تاثیر فضا قرار بگیریم و راجع به دیگر چیزها صحبت کنیم. باید گام به گام پیش برویم.»

راموس: رویایم در رئال برآورده شد

برنامه‌یی برای جشن گرفتن هستم! منتظر باشید.»

راموس سال ۲۰۰۵ از سویا به رئال پیوست و ۱۲ سال را در این باشگاه سپری کرد. در طول ۵۰۰ بازی، او ۶۶ گول به ثمر رسانده که شامل دو گول در فینال چمپیونزلیگ مقابل اتلتیکو است که منجر به پیروزی رئال در هر دو فینال شد. او همچنین سه قهرمانی لالیگا، دو کوپا دل ری، دو سوپرکاپ اروپا و دو جام باشگاه‌های جهان را با رئال به دست آورده است.

الکس ویدال ادامه فصل را از دست داد

در میادین نخواهد بود که این به معنای از دست رفتن ادامه فصل برای وی خواهد بود.

به این ترتیب لوئیس انریکه در حساس‌ترین مقطع فصل، یکی از مدافعان خود را از دست داد؛ مدافعی که به تازگی توانسته بود اعتماد مربی‌اش را به خود جلب کرده و بازی‌های خوبی نیز از خود به نمایش بگذارد.

ویدال در بازی برابر آلاوز که با پیروزی ۶-۰ بارسا خاتمه یافت، یک پاس گول داده بود. در حال حاضر تنها گزینه انریکه برای دفاع راست، سرجی روبرتو است.

پوچتینو: با این بازی، چانسی برای قهرمانی نداریم

اول خیلی ناراحتم. در نیمه دوم به سطح بازی خودمان برگشتم اما واقعا دیر شده بود. کل تیم ضعیف بازی کرد. مسئله توازن تیم است و ما امروز ضعیف بودیم. این واقعیت دارد. ما در موقعیتی هستیم که شرایط دست خودمان است. اما اگر مانند امروز بازی کنیم، نمی‌توانیم با فشار بودن در کورس قهرمانی منطبق شویم و دشوار است که برای قهرمانی در لیگ برتر مبارزه کنیم. در ۴۵ دقیقه ابتدایی، تیمی را دیدیم که برای مبارزه برای قهرمانی آماده نیست.»

توخل: حق‌مان بود بازیم

اما مقابل تیم انتهای جدولی دارمشتات شکست خوردند. توخل به خبرنگاران گفت: «آن‌ها شایسته پیروزی بودند. وقتی پایین‌تر از سطح‌مان بازی می‌کنیم، طبیعی است که شکست بخوریم. تیمی که با تمام وجود بازی کرد، به پیروزی رسید. ما مستحق شکست بودیم. در طول این بازی هرگز احساس نکردم که می‌توانیم به امتیاز برسیم.»

یورگن کلوپ، سرمربی لیورپول به شاگردانش هشدار داد که تحت تاثیر فضا قرار نگیرند و پاهای‌شان را روی زمین نگه دارند.

لیورپول روز شنبه این هفته توانست با دو گول سادیو مانه، بر تاتنهام غلبه کرده و به رتبه‌ی چهارم در جدول دست پیدا کند. پس از بازی کلوپ که از این پیروزی بسیار خوشحال بود، به شاگردانش هشدار داد که نباید تحت تاثیر این برد قرار بگیرند. او گفت: «اگر بگویم که حالا

سرجیو راموس، کاپیتان رئال مادرید پس از انجام پانصدهمین بازی‌اش برای این تیم گفت که رویایش برآورده شده است. مدافع اسپانیایی که ماه آینده ۳۱ ساله خواهد شد، شنبه شب در تقابل با اوساسونا پانصدهمین بازی‌اش را برای رئال انجام داد. پس از بازی او در شبکه‌های اجتماعی از رسیدن به چنین رکوردی ابراز خوشحالی کرد. او گفت: «پانصد بازی با رئال مادرید بیش از یک رویاست. از شما ممنوم، از همه. به دنبال

الکس ویدال، مدافع راست بارسلونا طبق اعلام تیم پزشکی این باشگاه ۵ ماه به دور از میادین خواهد ماند.

دقیقه ۸۷ بازی بارسلونا و آلاوز بود که الکس ویدال در یک صحنه با تئو هرناندز برخورد شدیدی پیدا کرد؛ به طوریکه مچ پای وی به شدت آسیب دید. او توسط برانکار از زمین مسابقه خارج و به بیمارستان منتقل شد. ویدال هنگام خروج از زمین اشک می‌ریخت. تیم پزشکی بارسلونا اعلام کرد که ویدال به دلیل مصدومیت از ناحیه مچ پا، ۵ ماه قادر به حضور

پوچتینو: با این بازی، چانسی برای قهرمانی نداریم

تاتنهامی‌ها که در ۹ دیدار قبلی شان در لیگ برتر شکست نخورده بودند، در این دیدار در همان ۲۰ دقیقه ابتدایی دوبار دروازه شان را باز شده دیدند و در نهایت بازی را واگذار کردند؛ هرچند علی‌رغم این شکست، جایگاه شان در رتبه دوم جدول را حفظ کردند.

پوچتینو به خبرنگاران گفت: «آن‌ها بهتر از ما بودند و کاملاً شایسته پیروزی. ما بازی را خیلی ناهماهنگ شروع کردیم. درک اینکه چرا اینطور بازی کردیم، دشوار است. از نمایش‌مان در نیمه

توماس توخل، سرمربی دورتموند، پس از شکست ۲-۱ مقابل دارمشتات، تایید کرد که تیمش در این دیدار مستحق باخت بوده است. در روزی که لاپریش و آیتراخت فرانکفورت، تیم‌های دوم و سوم جدول شکست خوردند، دورتموند می‌توانست با پیروزی مقابل دارمشتات، به رتبه سوم جدول صعود کند و فشار روی لاپریش را افزایش دهد

بیست و ششم دلو استعاره‌یی برای یک تباهی مداوم

ستار ثابت



شدند، هزاران خانواده داغدار گردیدند و بر خاک سیاه نشستند، هزاران طفل نیازمند یتیم و درمانده شدند تا رقیبی که ده‌ها قبل با شکست در جنگ ویتنام و رقابت‌های سرمایه‌دارانه و سوسیالیستی بغضی که در دل گرفته بود و در پی فرصتی برای انتقام می‌گشت، آمده و انتقامش را بگیرد. این‌ها اساساً واقعیت‌های متناقضی هستند: ایدئولوژی‌یی، دست به قتل انسان می‌زند برای این‌که نوع خاصی از انسان را دوست دارد و رویکردی، جلو این انسان‌کشی می‌ایستد تا بگوید که انسان، انسان است در هر باور و پوششی. اما او هم برای جلوگیری از این کشتار و غارت، باید غارت بکند و بکشد. این‌ها تناقض‌های درماندگی آور عصری است که عقل مدرن بدون این‌که آن‌ها را پیش‌بینی کرده باشد، در درون خود پروراند.

افغانستان در کنار این‌که بنا بر وضعیت درونی خاصی، زمینه‌ی مساعدی بود برای به‌راه افتادن یک جنگ همه‌علیه همه، به‌صورت دردناکی قربانی این رویه‌ی تباهی آور عقل مدرن شد. به این معنا که از نگاه درونی و ساختارهای اجتماعی، تاریخی و اقتصادی، افغانستان در موقعیتی نبود که خود برای سرنوشت خویش تصمیم بگیرد و به‌علاوه، مستعد این نیز بود که کشورهایی که به‌لحاظ اقتصادی و سیاسی در موقعیت به‌اصطلاح پیشرفته‌تری بودند و در واقع داشتند آن امکان‌های تناقض‌آمیز را از خود بروز می‌دادند، برای تخلیه و صدور این تناقض‌های خود، افغانستان را بستری مناسب تشخیص بدهند. چیزی که در این وسط برای همیشه مغفول ماند، سرنوشت انسان و حق حیات او بود. فرقی نمی‌کند که این انسان هویت غربی داشت یا شرقی و افغانی، اما همه ناخواسته و ناگزیرانه وارد مگاسکی شدند که رهایی از آن جز با کشتن و کشته شدن ممکن نبود. اما کارکردی که این رویه از خود نشان داد، این بود که وضعیتی ایجاد گردید که کشتن و کشته شدن در آن به جریان مداوم و همیشگی تبدیل شد. با رفتن شوروی از افغانستان، جنگ و کشتار از بین نرفت، بلکه به‌عنوان یک واقعیت، بیشتر خودش را تثبیت کرد و استثنای تبدیل به قاعده شد؛ قاعده‌ی جنگی. ماتریال‌ترین صورت زندگی در افغانستان اینک، آرامش و محبت و هم‌زیستی نیست، بلکه جنگ و حذف است. در چنین شرایطی، اشتباه است اگر جنگ کنونی افغانستان را میراث بدرفتاری‌ها و خشونت‌ورزی‌های گذشته‌ی دیرپای این کشور بدانیم. برای این‌که قبل از هجوم شوروی به افغانستان و بنا نهادن این وضعیت، جنگ گذشته از درون نیروها و فرماسیون‌های اجتماعی سنتی و پیشامدرن برمی‌خاست، و هر رخداد پیشامدرنی، هنگامی که از نگاه اجتماعی و تاریخی عقییم می‌گردد، از تکرار و تداوم بازمی‌ماند. اما در افغانستان درست در هنگامه‌یی که سنت می‌بایست جایگاهش را به مدرنیته می‌داد، جنگ مدرن و معاصر جای جنگ سنتی و قبیلوی را گرفت. این‌گونه است که امروز طالب یا داعش اگر با ادعای سنتی و بنیادگرایانه هم وارد می‌شوند، از سلاحی استفاده می‌کنند که محصول مدرنیته است و با تمام این‌ها، حتی آن ادعا و مدعای بنیادگرایانه نیز خود تبدیل به ابزاری در دست کشورهای شده که خودشان سنت را سپری کرده‌اند ولی به جنگیدن نیاز دارند. آن‌چه که در هیچ‌صورتی اما نمی‌توان انکارش کرد، این است که انسان کشته می‌شود و زندگی‌ها تباه می‌گردد: ششم جدی یا بیست و ششم دلو، استعاره‌یی می‌شود برای یک تباهی مداوم.

این‌ها اساساً واقعیت‌های متناقضی هستند:
ایدئولوژی‌یی، دست به قتل انسان می‌زند برای این‌که نوع خاصی از انسان را دوست دارد و رویکردی، جلو این انسان‌کشی می‌ایستد تا بگوید که انسان، انسان است در هر باور و پوششی. اما او هم برای جلوگیری از این کشتار و غارت، باید غارت بکند و بکشد. این‌ها تناقض‌های درماندگی آور عصری است که عقل مدرن بدون این‌که آن‌ها را پیش‌بینی کرده باشد، در درون خود پروراند.

با وجود آگاهی بر نتیجه‌ی زیان‌بار و کمرشکن کاری که به آن اقدام کرده‌اند، خودشان را در موقعیتی تعریف می‌کنند که گویا ناگزیر از تقبل این زیان و خسران هستند؛ آگاهانه برای خودشان زیان و تباهی می‌خرند و تولید می‌کنند. سوی این‌ها، ماجرای آمورفت قشون سرخ یا «نیروهای کشور دوست» به افغانستان، سویی ناگوارتری هم دارد که هدفشان گسترش سوسیالیسم و انسان‌باوری و از این‌دست خیال‌های امانیستی بود: هزاران انسان در دو سوی سنگر کشته

طرف جنگ تحمیل کرده است، به‌مراتب سنگین‌تر از آن است که وجه اقتصادی و سیاسی جنگ در صورت برد، آن را ایجاب می‌کند. با این‌حال، به نظر می‌رسد که امکان‌ها و خصوصیات که در انسان به‌صورت فردی وجود دارد، می‌تواند در میان جمعی تحت هر شکل و کلیتی هم خودش را حفظ کند و حتی با این تقریر، کشورها نیز نسخه‌ها و نمونه‌های بزرگ‌تری از انسان نوعی می‌شوند. حرکت از این نقطه ما را به این‌جا می‌رساند که متقاعد بشویم کشورها در مقاطع مختلف و متفاوت،

بیست و ششم دلو ۱۳۹۵، روزی است که قشون سرخ پس از ده سال حضور نظامی و هزینه‌های بزرگ انسانی، افغانستان را ترک می‌کند. واقعیت ماجرا اما، پهلوهای بیشتر و پرپهناتری دارد که نمی‌توان صدر و ذیل آن را در این ده سال خلاصه کرد؛ افغانستان اگر نه به‌صورت مطلق، دست‌کم به‌طور جدی و دامنه‌دار، با این جنگ و رخداد‌های همزاد آن، وارد وضعیتی شد که دیگر بهبودی و رهایی از آن امر ساده‌یی به‌نظر نمی‌رسد. روشن‌ترین دلیل این امر را نیز شاید بتوان در این دانست که شوروی با این جنگ، خودش را وارد ماجرای کرد که پرداخت هزینه‌ی آن، ورود ناگزیر به ماجراها و رخداد‌های دیگری است و در این میان، کسانی که در برابر شوروی بازی می‌کردند و تا اکنون با همان جدیت و ضدیت به بازی‌شان ادامه می‌دهند، کسانی هستند که دست‌کم در بخشی از جهان، تنها امکان موجودیت‌شان را در حضور مداوم در این جنگ تعریف می‌کنند. بر این اساس، شاید خیلی دور از واقعیت نباشد که گفته می‌شود طرفین این جنگ طولانی و ظاهراً پایان‌ناپذیر، هزینه‌یی بیشتر از آن پرداخته‌اند که در صورت برد، تمام وجود و ابعاد این برد برای‌شان نفع می‌رساند. به این معنا که حتی با کنار گذاشتن آن ایده‌ی کلاسیک و منتشر امپریالیستی، هزینه‌یی که این رقابت بر دوش دو

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

1. مسافری محترم آریانا می‌توانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
2. سهولت انتخاب سیت برای مسافری محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافری محترم می‌توانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
3. شرکت های سیاحتی می‌توانند برای مسافری گروهی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.

DUBAI

JEDDAH

ISTANBUL

ANKARA

MOSCOW

URUMQI

DELHI